

و کافرانرا پند در عذاب دفع گویند الهی را رضی شدیم فرمان آید که می خاک شوند
با فرزند و بر نه حال ایشان را که می خاک شد می همچون ایشان تا از عذاب
ایدی خلاص یافتی چون این سوره تمام کنی بگوی اللهم عشق بر قاتلنا و قاتلنا و عشقنا
بر محمد یا ارحم الراحمین وصیت والد شریف رحمة الله علیه باین نفرین بود که
این دعا را بعد از سوره عم بخواند و قبل مراد ازین کافرا میس است و از شر آب و همی
اپس آرد و بر در کاشکی من خاک بودی همچون آدم و الله اعلم
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بگفت حق سبحی زو تعالی درین سوره پنج چیز سو کند یا و کرده است و مقدران را اختلاف است
آنچه چیز صحت است اول اقبال اینست که مراد فرستگاری کند که بکار حق تعالی ایش ترا
مشغول کرده است و همان قول را اختیار کردیم **وَاللَّاتِ عَادَاتِ غُرَقَا** ای ز غرقا
الغرق یعنی الغرق و یقال غرقته و غرقته ای اخذت به قوة الرفع کشیدن و الغرق و اللغوا
گرفتن یعنی محبت فرستگان که بکشند جانهای کافرانرا کشیدن سخت چون بکشند که
سید بکار ندهد و در زمین در اینند باز کشندش تا بر کافرت سخت شود جان کشیدن نحوه
باشد من **وَالْقَاسِطِ السُّفْطَا** و محبت فرستگاری که بکشد جانهای مؤمنانرا
بآسانی و بزودی پروان را نه نشط الدول من البیدای اخرجها کذا ان الکف فی بعضی پروان

تور در دور از جا **وَالسَّاجِدَاتِ سَبَّحًا** و محبت فرستگان که رشتند و بر زمین
حق تعالی را سجده کنند و آب یقال **فَرَسٌ سَبَّحٌ** که بگویم یعنی سب تر و دوره و از سر عدنی
بیرد به سوره **وَالسَّاقَاتِ سَبَّحًا** پس محبت فرستگان که بر یکدیگر سببند
در خرد و طاعتنا **فَلِلَّذِیْنَ آمَنُوا** پس محبت فرستگان که تدریکند که در عالم ارواح منزل
و میکان و اسرافیل و عزرائیل است و عزرائیل یک نفس مان تا و جبرئیل بر سر که و باد با کلمت
و میکان بر بارانها و نباتات و اسرافیل را بر لوح محفوظ اطلاع می باشد و از آنجا میگوید
دیگر میرساند چنانکه آدم را علیه سلام در یک لحظه آنگاه که دانید با همانی واسطه که جواب قسم
مقدر است یعنی محبت این چیزها که یاد کرده شد زنده کرده خواهد شد بعد از مردن **یَوْمَ تَحْضُرُ**
الرَّجْفَةَ در آن روز که لرزد در زنده **الرَّجْفَةَ** لرزیدن یعنی زمین جنبند چون در تصور رسید
شود اول با بر صق بچرخند **تَبَعَهَا الرَّجْفَةُ** از پس وی در آید پس در آید به السبع و الایمة
و الردف از پس در آمدن یعنی بار و دوم که در صورت رسید شود و زمین جنبند و خلق زنده شوند
و ساقان در دو زمین جبل نعل باشد **قُلُوبٌ یَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ** دلها در آن روز طنبند
باشد **وَالْوَجْهَ طَبِیدٌ** دل ابصارها **خَالِشَةً** خسته باشند در آن روز و از ترس از
دو لیل و بخاک و موشند باشد **بِأَبْصَارِهِمْ** یعنی بینای خداوندان **وَالْهَامُونَ** کافران صفت
قیامت را شنیدند عجب داشتند و گفتند چنانکه حق تعالی ائان **جَمْرٌ دِیْقُوقُونَ**